



طرح: آگوستا مانی

لکه بزرگ خون، غلیظ و کند روی سرامیک‌ها کو چسک و کو چک تر شد. بعد کمی سرعت گرفت و تندوتند برگشت توی حفره‌ای که صورت مرد را سوراخ کرده بود؛ درست کنار بینی مرد. آخرین لکه‌های سمج که از روی سرامیک کنده می شدند و برمی گشتند توی زخم، چشم‌های زل زده مرد هم لرزیدند و یکی دوبار پلک زد و یکباره مثل عروسک خیمه شب بازی که نخ هایش را بگیرند و بلندش کنند، از زمین بلند شد و به حالت ایستاده درآمد. صورتش هنوز سوراخ بود. بعد سرش را حرکتی ناگهانی داد مثل تف کردن و گلوله سرب‌ی ناگهان از سوراخ زخم بیرون جهید. پوست صورتش به اندازه یک سکه باز شده بود، سریع هم آمد و مثل حالت اولش شد. گلوله به تندی برگشت توی لوله هفت تیر و چند رشته بخار خاکستری رنگ همراه آن از هوا کشیده شدند توی لوله. صدای بلند و بیخود شلیک بلند شد. انگشت باریک زن از روی ماشه برداشته شد. یک گلوله دیگر از بیرون خانه به سرعت برگشت، صدای شکستن شیشه پشت سر مرد آمد. تکه‌های شیشه از کف بالکن به هوا بلند شدند و سرجای خودشان قرار گرفتند و بعد از اینکه پرده یکهو کشیده شد و الیاف جر خورده توری مشجر آن دوباره پیوند خورد، گلوله دوم هم برگشت توی لوله هفت تیر و صدای شلیک دیگری بلند شد. مرد داد زد: «نیره!» دست‌های مرد به حالت مضحکی شل و وارفته حرکت کردند. تکه‌های آبی و سفید گلدان بزرگ سفالی از روی زمین جمع شدند و به هم چسبیدند و یک گلوله از دل گلدان برگشت توی هفت تیر و تمام رشته‌های دود خاکستری، مکیده شدند توی لوله. دست‌های زن تکان تندی خوردند و صدای مهیب شلیک بلند شد. انگشت زن دوباره روی ماشه رفته بود و حالا برداشته شد. زن هفت تیر را با دو دست پایین آورد.

مرد فریاد زد: «این چیه؟ داری چیکار می کنی نیره؟»

نیره هفت تیر را بسا حرکتی ناگهانی برگرداند توی کیف بزرگ چرمی اش. اول دندان هایش را به هم فشرد و گفت: «چقدر وقیحی...» بعد خم‌شگین به مرد نگاه کرد. مرد داد زد: «تو بیخود کردی. حق نداشتی به گوشی‌ام دست بزنی. حرم خصوصی منه» و به حالتی مسخره یک قدم عقب رفت. زانوهایش را زیادی تا می داد و حرکتش شبیه ماشین‌های کوکی بود. انگار می خواست ادا دربیاورد. زن گوشی را توی هوا به چپ وراست تکان تکان داد. گفت: «این چتا یا مینا جونت هم شاهدن. همه رو خونده‌ام» بعد گوشی توی هوا ثابت ماند و کشیده شد توی کیف زن.

مرد فریاد زد: «چرت نگو. تو اول شکاک بودی. خیالات برت داشته»

«به هم قرص خواب می دی که شب این و اونو بیاری خونه، نامرد بی حیا»

زن یک ورق قرص را جلوی چشم مرد چپ وراست کرد. بعد مثل عروسکی که دستش را رها کرده باشند، ساعدش با حرکتی تند برگشت و قرص را بین خرت و پرت‌هایی که روی میز ریخته بود گذاشت. زن گفت: «همونجا فهمیدم همه اون عزیزم مزیم گفتنا و مراقبتا که ای این جوشونده برا اعصاب فلاه و خوابت بهمان میشه فقط واسه اینکه که خیر سرم کپ مرگمو بذارم که خیال تو راحت باشه. صبح همه دوا داروها رو برداشتم بردم دکتر. همه شون از این دواهای چرت و پرت بودن. ولی دیروز ساعت پنج صبح بیدار شدم و لباساتو گشتم. و ایناها رو پیداش کردم... وقتی سرچ کردم دیدم قرص خوابه»

یک مشت قرص و سوئیچ و برگه مجاله مثل براده‌هایی که به آهن‌ریا جذب شده باشند به کف دست زن چسبیدند و دست



روزنامه شهرامشید وزنگی

SHAHARANews.ir  
۲شنبه  
۱۵ مهر ۱۳۹۸  
۹ شهریور ۱۳۹۸  
شماره ۲۳۲۱



## گوشه‌های

با فرارسیدن هفته نیروی انتظامی ظهر دیروز آیتا... علم‌الهدی، نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد مقدس، با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی

استان دیدار کرد. نماینده ولی‌فقیه در این دیدار با اشاره به نمازجمعه گذشته بیان کرد: «نیروی انتظامی بزرگ‌ترین محور اقتدار نظام است که مردم اولین دسترسی را به آن دارند» که این موضوع به تحلیل بیشتر نیاز دارد. آیتا... علم‌الهدی ادامه داد: نیروی انتظامی در عین اینکه در دسترس‌ترین محور نظام برای مردم است، در صف مقدم جبهه نیز قرار دارد. جمع این دو می‌تواند یک پارادوکس ایجاد کند؛ زیرا صف مقدم مقابله با دشمن از دسترس مردم خارج است.

امام جمعه مشهد با تأکید بر اینکه مسئله امنیت، آمیخته با تمام شئون زندگی مردم است، گفت: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «آ نعمت امنیت و سلامتی برای مردم مخفی است». همان‌طور که ماهی در داخل آب اصلا به خشکی فکر نمی‌کند که اگر حادثه‌ای پیش آمد، چه بر سر او می‌آید، جامعه نیز در برابر امنیت چنین حالتی دارد و فکر نمی‌کند اگر روزی از امنیت خارج شد، شبانه‌روزش چطور می‌گذرد. نعمت امنیت یعنی شخص در هر موقعیتی در زندگی، از اینکه می‌داند در فضای امنی قرار دارد، لذت می‌برد.

● اگرگذاری نیروی انتظامی در بطن مردم

وی با بیان اینکه در این احساس امنیت، جریانسی که مقابل چشم مردم مجسم می‌شود، جریان نیروی انتظامی است، بیان کرد: احساس آرامش یک فرد در زندگی به واسطه وجود امنیت از جانب نیروی انتظامی است و همین‌طور احساس ترس او در

عره گناه و خطانیز از سوی نیروی

انتظامی است. آیتا... علم‌الهدی ادامه داد: اگر بنا شد در رفتار نیرویی که این‌قدر در بین و بطن مردم اثرگذار است، کوچک‌ترین نقصی به وجود بیاید، ترس خطاکار تبدیل به امنیت می‌شود؛ چون خاطرش جمع است که چنین نیروی انتظامی سراغ او نمی‌رود و در مقابل، آرامشی که وجود داشت، به ترس و اضطرابی تبدیل می‌شود که معلوم نیست نیروی انتظامی از محافظت شما در میان مردم است.

● خدمتان برای خدا و اولیای خدا باشد

وی به اهمیت فعالیت ایثارگران نیروی انتظامی در موقعیت‌های مختلف همچون مرزبانی، راهور و سایر بخش‌ها اشاره کرد و گفت: اگر کار یک‌به‌یک شما از زیایی شود، از نظر زحمت، رنج و دردسر، با هیچ کار و کسی در کشور مقایسه‌شدنی نیست، اما در تمام این جهات اگر هدف شما غیر از کار

برای خدا و اولیای خدا باشد، ارزشی

ندارد. امام جمعه مشهد مقدس با تأکید بر اینکه انگیزه و وابستگی شما برای خدمت نباید جز خدا باشد، افزود: اثرگذاری نیروی انتظامی در جریان ایجاد آرامش برای یک جامعه دینی یا ایجاد ترس در مقابل گناه، معصیت و نافرمانی یک گنهگار، با نیروی انتظامی هیچ نقطه از دنیا مقایسه‌شدنی نیست.

وی به بروز مشکلات روانی در بین نیروهای پلیس فرانسه اشاره و اظهار کرد: به‌تازگی پلیس فرانسه شورش کرد؛ تا جایی که پلیسی چند نفر از همکاران خود را از بین برد. علت بروز این حادثه به بیان روان‌شناسان فرانسوی، بروز یک حالت روانی است؛ حالتی که به دلیل احساس پوچی به آنان دست داده است. در ذهن آن پلیس توجیه‌پذیر نیست که با مردم درگیر شود، عده‌ای را به نفع جریان حاکمی که معتقد است به مردم ظلم می‌کند، بکشد و مجروح کند؛ چراکه آنان حششان را می‌خواهند! مردم از این جریان حاکم نفرت دارند. برای

آن پلیس توجیه‌پذیر نیست که بیاید به نفع این جریان منفور انسان‌هایی را که می‌خواهند به حششان برسند، سرکوب کند. نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی بیان کرد: اگر برای کسی، مقام، درجه، اضافه‌کار و حق مأموریت ملاک باشد، می‌شود پلیس فرانسه و روزی به این پوچی می‌رسد و منفورترین موجودات از نظر او، می‌شود پلیس. انگیزه پول، مقام و درجه آدم را به اینجا می‌رساند و خوشبختانه این امتیاز برای شما هست که انگیزه، انگیزه خدایی است و در این کشور برای اجرای منویات حجت امام زمان (عج) تلاش می‌کنید.

● رشادتهایی که نمایی از مظلومیت اهل بیت علیه‌السلام است

آیتا... علم‌الهدی تصریح کرد: وقتی کسی به موقعیت‌هایی که برای شما ایجاد می‌شود نگاه کند، به مظلومیت اهل بیت (ع) پی می‌برد. جنازه یک مرزبان شهید روی دوش شما از خیابان امام رضا (ع) رد می‌شود، به حرم مطهر می‌رسد و در پرچم سرنگ پیچیده روی دوش شما، آدم را

### روحي در کالبد ۷نفر



سیرجانی| جواد صفری، بیمار مرگ مغزی بیست‌وشش ساله که دیروز از بیمارستان امام علی (ع) شهرستان بجنود به بیمارستان منتصر به مشهد منتقل شده بود با رضایت خانواده‌اش تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت.در این جراحی کلیه‌های زنده‌یاد صفری به مردی سی‌ودو ساله و زنی پنجاه ساله ساکن شهر مشهد به صورت رایگان اهدا

و پیوند شد. قلب مرحوم جواد صفری نیز در بیمارستان امام‌رضا (ع) به زنی سی‌وشش ساله ساکن مشهد پیوند شد. علاوه بر این کبد زنده‌یاد صفری به شیراز منتقل و در بیمارستان بوعلی‌سینا به زنی پنجاه‌وهشت ساله ساکن زنجان اهدا و پیوند



زخمی را راهسازی و تحویل عوامل اورژانس ۱۱۵ دادند. علت این سانحه رانندگی مشخص نیست و صحنه حادثه پس از ایمن‌سازی محیطی در اختیار مأموران پلیس راه‌هور قرار گرفت. ●

## احترامی برای یک توصیه

گروه حوادث| گویا قرار نیست این معضل در جاده‌های کشور تمام شود و حتی برای یک روز هم که شده تصادفی اتفاق نیفتد. خستگی و خواب‌آلودگی، توقف سر راه مسیره‌های اصلی، بی‌توجهی به جلو، سرعت غیرمجاز و ده‌ها مورد دیگر

که از سوی رانندگان اتفاق می‌افتد یا جان می‌گیرد و خانواده‌ای را در ماتم می‌نشانند و یا منجر به مصدومیت و معلولیت عده‌ای می‌شود. البته در حوادث رانندگی گاهی هم رانندگان یا سانحه‌دیدگان قربانی اشتباه دیگران می‌شوند درست مثل

حادثه جاده‌ای که در بامداد دیروز در اتوبان زنجان به قزوین رخ داد. در این سانحه رانندگی ۲ دستگاه خودروی سواری سمند و یک اتوبوس مسافربری به یک دستگاه کامیون که در کنار جاده پارک بود برخورد کردند. متأسفانه ۳ سرنشین

یکی از سواری‌های سمند در دم فوت کردند و ۳۸ نفر نیز مصدوم شدند. با اینکه هنوز علت این حادثه مشخص نیست اما این نکته همچنان پابرجا باقی می‌ماند که برای جلوگیری از این حوادث کافی است کمی به مقررات احترام بگذاریم. ●

